

گفت‌گویی صبا با منتقدان درباره فیلم سینمایی «تفریق»

در تفریق، انسان‌ها از هم



فرهمناد ناظریان
گفت و گو

فیلم سینمایی تفریق آخرین ساخته مانی حقیقی است که به تازگی اکران آنلاین خود را در پلتفرم‌های نمایش خانگی نماوا و فیلمبو آغاز کرده است. نویسنده‌ی این فیلم به قلم مشترک امیررضا کوهستانی و مانی حقیقی، تهیه‌کنندگی مجید مطلبی و بازیگری چون نوید محمدزاده، ترانه علیدوستی و اسماعیل پوررضا و... است. سایر عوامل فیلم نیز عبارتند از تدوین؛ میثم مولایی، فیلمبردار؛ مرتضی نجفی و موسیقی متن آن را رامین کوشا بر عهده دارد. خبرنگار صبا درباره ساختار، سبک و روایت فیلم تفریق با دو منتقد سینما؛ حامد مظفری و محمد جلیلود گپ و گفتی داشته‌است، که در ادامه می‌خوانید.

حامد مظفری:

تفریق یک کپی استاندارد!

لطفا در ابتدا نگاهی داشته باشید به پرونده هنری کارگردانی مانی حقیقی...

مانی حقیقی فیلم‌هایی چون کنعان، اژدها وارد می‌شود، خوک، پذیرایی ساده و حالا تفریق را در پرونده حرفه‌ای کارگردانی خود دارد و البته یک فیلم متفاوت در ژانر کم‌دی به نام ۵۰ کیلو آلبالو که در اکران استقبال بسیار گسترده‌ای از آن شد. ۵۰ کیلو آلبالو فیلمی بود کاملاً مبتنی بر کم‌دی خالتور سینمای ایران که ساخت آن بیشتر از آن جهت بود که مانی حقیقی می‌خواست نشان دهد که یک کارگردان شبه روشنفکر نیست و می‌تواند یک خالتور ساز هم باشد! به این ترتیب این فیلم از پر فروش‌ترین فیلم‌های این کارگردان است. اما نظر بنده بهترین فیلم او اژدها وارد می‌شود است که از نظر ساخت فیلم اورجینال‌تر و سر حال‌تر بود، که توجه مخاطبان خاص و عام را نیز در پی داشت. اژدها وارد می‌شود، محصولی از ذهنیت مولف اثر بود و در کتگوری آن سال‌های سینما داستان بکری داشت و توانسته بود انواع مختلفی از ژانرهای سینمایی مانند وحشت و معمایی را با درون مایه‌ای سیاسی در خود بپرواند. در ادامه اگر بخواهیم فیلم سینمایی تفریق را در پرونده کاری این کارگردان بررسی کنیم؛ معتقدم این فیلم از نظر کارگردانی فوق‌العاده است و از جمله فیلم‌های خوب این چند سال اخیر سینمای ایران است، اما از نظر متنی و نگارشی نمی‌توان آن را اورجینال خواند چرا که این فیلم کاملاً متأثر از فیلمی به نام «دشمن» اثر دنی ویلوی کارگردان کانادایی و فرانسوی تبار است. دنی ویلوی نیز فیلمنامه «دشمن» را از اثر «همزاد» از مجموعه داستان‌های ساراماگویی نویسنده پرتغالی اقتباس کرده، همزاد درباره مواجه شدن یک انسان با همزاد خودش است. اگر کسی فیلم «دشمن» را دیده باشد کاملاً به این نکته واقف می‌شود که چقدر مانی حقیقی کارگردان زبلی است. از این منظر که کاملاً فیلم «دشمن» یک نسخه برگردانی شده به ایرانی است که خطوط ممیزی هم در آن کاملاً رعایت شده‌است. یعنی گاهی حتی رد پلان‌ها نیز مشهود است. البته این مسئله را نمی‌توان به عنوان ایراد فیلم در نظر گرفت اما به هر حال بهتر بود این مسئله به طریقی در خود اثر عنوان شود. با این حال تفریق اثری است که به نسبت فیلم‌های شاخصی که در این چند سال اخیر ساخته شده، مانند جنگ جهانی سوم، برادران لیلیا، قهرمان و جاده خاکی بسیار بهتر و روان‌تر داستان خود را در روایت می‌کند و چنانچه فیلم اکران سینمایی داشت جزو فیلم‌های ارزشمندی بود که قابلیت‌های آن روی پرده عریض سینما برای مخاطب راضی کننده بود. تفریق یک فیلم پویاست که هیچ صحنه اضافی ندارد. به هر حال مانی حقیقی کارگردانی است که در یک خانواده هنرمند بزرگ شده و نبض سینما را در دست دارد.

نویسنده‌ی فیلم تفریق به قلم مشترک امیررضا کوهستانی و مانی حقیقی است. با توجه به اینکه این دو هنرمند قبلاً در فیلم پذیرایی ساده هم همکاری مشترک داشتند، همکاری این دو در این فیلم چگونه است؟

در ابتدای صحبت خود به این اشاره کردید که تفریق، محصولی به قلم مشترک امیررضا کوهستانی و مانی حقیقی است که من با آن مخالفم چرا که من در تفریق هیچ مولفه‌ای از متن‌های امیررضا کوهستانی را نمی‌بینم. احتمال بر این است که ایده اصلی از خود کارگردان بوده و امیررضا کوهستانی در نوشتن دیالوگ‌ها و برگردان کردن برخی صحنه‌ها از نسخه خارجی به ایرانی اثر کمک کرده باشد. البته این نظر بنده است و چه بهتر بود که خودشان درباره این مسئله توضیح می‌دادند. امیررضا کوهستانی نویسنده قدرتمندی است که متن‌هایش، مولفه‌های سبک خاص خود را دارد و در دنیا شناخته شده است. به نظر نمی‌آید که این نویسنده بدون اشاره به متن اصلی که داستان همزاد اثر ساراماگوست، روایت خود را بنا گذاشته باشد.

با توجه به اینکه ممکن است درک زیر متن و بن مایه فلسفی کار از درک مخاطب خارج باشد کمی درباره این مسئله صحبت کنید...

از نظر من در زیر متن این اثر هیچ بن‌مایه فلسفی در کار نیست. حتی شاید بتوان گفت کارگردان با روایتی متفاوت مخاطب را سرکار می‌گذارد و حس نمی‌شود که هدف اصلی اثر به چالش کشیدن مضمون‌هایی چون هویت، مواجهه با خود، درگیری‌های همنوعان با یکدیگر - که هر کدام

می‌توانند خودمان باشیم - باشد، این اثر بیشتر در این موفق است که برگردان بسیار منسجم و تاثیرگذاری از فیلم «دشمن» دارد و صراحتاً من با این نکته مخالفم که بخواهیم به این فیلم عمق ببندیم و آن را نمادشناسانه بررسی کنیم.

تعبیر من این بود که این فیلم بیانگر موقعیت و برشی از یک زندگی زناشویی است که به مرور زمان و با توجه به شرایط مرد و زن در مقابل یکدیگر و جامعه قرار می‌گیرد طوری که مجبور می‌شوند برای ادامه دادن خود را حذف کنند...

این تعبیر محترم است و می‌تواند به فیلم وارد باشد، اما کاملاً سلیقه‌ای است و نمی‌توان آن را به هدف صاحب اثر تعمیم داد. اصولاً انتخاب‌های مانی حقیقی خصوصاً در کست بازیگری کاملاً نشان می‌دهد که به دنبال چیست؟ وقتی کارگردان از بازیگران استار استفاده می‌کند قطعاً دغدغه مخاطب دارد و خیلی بن‌مایه فلسفی و درون مایه‌های این چنینی از اولویت‌های او نیست. «تفریق» از نظر من بیشتر یک بدعت در ساختار روایی است که با هدف جلب توجه در جشنواره‌های خارجی ساخته شده که متأسفانه این اتفاق هم نیفتاد و در جشنواره خارجی هم جوایزی کسب نکرد.

و اما روایت فیلم، در الگوی سه پرده‌ای موفق است؟

بله اتفاقاً تمام نقاط عطف، پی‌رفت پرده‌ها، کشمکش اوج و فرودها کاملاً درست است، اما در ادامه پایان بندی خیلی متناسبی ندارد و روایت با حسی از رهاشدگی و پایان باز مواجه است که البته این پایان باز در جهت خط‌الگوی روایی داستان نیست اصولاً نگاه جشنواره پسند امروزی سینما گرایش دارد پایان فیلم‌ها را باز بگذارد، در حالی که در نمونه موفق فیلم سگ کشی اثر استاد بهرام بیضایی روایتی با هفت پرده گسترده می‌شود که از نقطه‌ای مشخص شروع و در نقطه مشخص به پایان می‌رسد.

بیش از همه چه شاخصه متمایزی این فیلم را بر جسته کرده بود؟

کارگردانی خوب از شاخص‌ترین ویژگی‌های این فیلم بود. در چند سال اخیر و فیلم‌هایی که در جشنواره فجر به نمایش درآمدند، با آسیبی چون سهل‌الوصول خواندن کارگردانی مواجه بودیم، یعنی عمده

کارگردانان یا تقلید و استفاده از المان‌های مشترک فیلم‌هایی را تولید کردند که از نظر اجرایی از سطح کیفی بالای برخوردار نیستند و بیش از آنکه آثاری مولف مند باشند، آثاری دوقطبی هستند که برخی ادامه روند سینمایی فرهادی و برخی روندی خشونت‌ی و بزنجور را پی گرفته‌اند. آخرین فیلمی که کاملاً منطبق بر قاب سینما طراحی شده بود خان کشتی به کارگردانی مسعود کیمیایی بود، که متأسفانه حالا به صورت سریال روی پلتفرم‌ها قرار گرفته است! به همین ترتیب فیلم تفریق هم از نظر بصری و کلیت المان‌های تصویری در اندازه و قاب‌های سینمایی است.

با این حال چرا فیلم در سینما اکران نشد؟

تفریق پروانه نمایش داشت اما به دلیل اتفاقاتی که در چند سال اخیر افتاد، مسئولین وزارت ارشاد از اکران سینمای آن جلوگیری کردند. البته با توجه به تجربه‌ای که اکران جنگ جهانی سوم در سینما رقم زد، احتمالاً این فیلم هم خیلی پر فروش نمی‌شد. چرا که در مجموع فیلم جز بازیگران استفاده از بازیگران استار، شاخصه بارزی برای جلب مخاطب عام نداشت. بنابراین گیشه این فیلم تنها به واسطه استفاده از این دو بازیگر، فروش متوسطی را تجربه می‌کرد. منظورم از فروش متوسط، فروشی است که ممکن است به واسطه استفاده از این دو بازیگر برای هر فیلم دیگری هم اتفاق بیفتد.

صحبت با مانی:

تفریق نه فقط یکی از استانداردهای پایین‌ترین آثار سازنده، بلکه یکی از معدود آثار جشنواره‌ای قابل تأمل چند سال اخیر سینمای ایران است؛ روان‌تر و کم‌لکت‌تر از قهرمان و جنگ جهانی سوم و خیلی تکلیف روشن‌تر از برادران لیلیا، جاده خاکی، سه رخ و...

تفریق، یک کپی است و البته نه کپی از شاید وقتی دیگر یا وقت دیگر شاید بهرام بیضایی - که مسیر انحرافی است - چون جز آغاز ربطی به آن ندارد. تفریق یک کپی نعل به نعل از فیلم کانادایی - اسپانیایی مهجور دشمن/enemy است. حتی در رنگ اصلی و غالب تصاویر! فیلمی که حدود ده سال قبل دنی ویلوی فرانسوی - کانادایی آن را با نگاهی به داستان #همزاد خوزه ساراماگویی پرتغالی تبار ساخته بود. مانی حقیقی